



سخی صمیم

حقوق مدفون در وراثت و خاکستر (حمایت از حقوق کودکان)

بدون همه تشریفات معمول خواستم اینبار در ارتباط به کنوانسیون ملل متحد مرتبط به حمایت از حقوق اطفال بنویسم و نکاتیرا که بر نظام حقوقی و قوانین افغانستان ارتباط میگیرد به یاری و توان ذهنم تذکردهم. هرچه را در دل و متن این کنوانسیون میخوانی فکر میشود مکنونات قلب هر انسان بیدار و صاحب وجدانیست که در آن انعکاس یافته است - محتوا داشته های این کنوانسیون چه زیبا و دلپذیر نیازمندی های اطفال را برجسته می سازد و رعایت آن را توقع می برد.

در حقیقت اصحاب حقوق و عدالت پسندان هم همین امیال و آرزو ایرا دارند که درین بر گه ها رعایت و تعمیم آن توصیه میشود.

ممالک و سرزمینیکه اولاد شان برخوردار از مزایای چنین نعمات انسانی اند ' سرمایه با ارزشی از شخصیت های با علم و کمال و درک سالم برای آبادانی وطن به طور متناوب ذخیره می کنند که گنجینه عظیم انسانی را نسل به نسل به جامعه تقدیم و مرحله به مرحله امور اجتماع خود را به آن ها بسپارند.

در جوامع بشری کودکانیکه بر همین منوال از همان آوان پیدایش جنین در بطن مادر (قبل از تولد) تا ایام شباب و بلوغ و بالاخره اهلیت کامل تحت مراقبت های کامل انسانی قرار میگیرند کمتر کمبودی از دید رشد فکری و جسمی به اوشان راه می یابد.

بیتر دید افرادیکه با این طرز بهداشت و زمینه های مساعد در برخورداری از همه امکانات مادی و معنوی از دنیای تعلیم و تحصیل برخوردار می شوند در میدان عمل و خدمت به اجتماع خویش کمتر کوتاه می آیند زیرا ایشان مسئولانه تربیت می بینند و مسئولانه عهده دار رسالت وجدانی میگردند.

بلی این همه رهاورد ها را ما میتوانیم از محتوا و داشته های همین کنوانسیون حمایت از حقوق اطفال استخراج کنیم. ولی سوال اساسی درین رابطه کدام است؟

آیا کودکان میهن ما هم بنام انسان و کودک شامل مزایای چنین کنوانسیونی شده می توانند؟ اگر پاسخ مثبت است! پس مقامات مربوط چند فیصد شرایط مواد این موافقتنامه را به حال کودکان ما محقق می یابند؟ و آیا آن را قابل تطبیق دانسته و به آن عمل می کنند؟

اگر پرسش من با جواب رد روبرو است پس این «حقوق مدفون در وراثت و خاکستر و باروت نیست»؟

واقعیات کتمان نمی شود - بیائید با یک صدای عدالت خواهانه درین فرصت و روزی بنام حمایت از حقوق کودکان از محکمه وجدان خویش بپرسیم که کودکان این سرزمین زمینة استفاده از چنین حقوق مدون و مصوب سازمان ملل را دارا می باشند؟ و آیا مسئولیتی در قبال خیانت به اولاد وطن قابل پرسش است؟

مؤجز اینکه کودکان مظلوم وطن هیچگاهی به حقوق حقه و لازمه خویش نرسیده و از آن مستفید نشده اند. پس لازم است که پرسش را به نوع دیگری طرح نمایم که:

کودکان وطن از کدام مصایب زمان در امان واز کدام زجر و شکنجه روزگار مصئون مانده اند؟ چون میدانیم که کودکان سرزمین ما کوچکترین نفعی از مزایای چنین حقوقی نبرده و منفعتی به آنها نرسیده است.

کودکان ما در جنگ و صدای تفنگ به دنیا می آیند و چشم به مشاهده قتل و کشتار می گشایند با تن عریان در بین سنگ و ریگ می خوابند در انتحار و انفجار جان می دهند در میدانهای بیدرودیوار بنام مکتب و مدرسه کتابی به دست دارند

یتیم - بی پدر و مادر رنج می کشند، کارهای شاقه را متحمل می شوند، از تعصبات گوناگون به دور نمی مانند، طرف استفاده های سوء و تجاوزهای جنسی قرار می گیرند و و و ... اکنون با تعیین نصب العین چنین مظالم چه کسانی مسئولیت چنین فجایع را عهده دار و کدام مرجع و مقام مسئولیت عدم تطبیق و رعایت حقوق کودکان درج کنوانسیون ذکر شده را به دوش می کشند؟ و مسئولیت چنین فجایع را کی عهده دار می شود؟

به هر تقدیر: می خواهم با توجه به محتوای ماده اول کنوانسیون یاد شده مطالبی از قانون مدنی و جزای افغانستان که رابطه مستقیم به این کنوانسیون دارد مطالبی ارائه نمایم و از کمبودات فهم و تقصیرات ذهن خویش طلب پوزش نموده و محتاج رهنمائی هستم:

ماده اول

مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نشر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

.....
ماده فوق الذکر در پیمان یاد شده اسم و نام کودک را مختص به انسانی دانسته است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده و به سنین پائین تر از آن قرار داشته باشند.

ولی این ماده قید دیگری نیز دارد که: بسا از کشورها ممکن سن بلوغ را قبل از نشر حقوق جاری پیشتر تعیین کرده باشند.

قانون مدنی کشور ما نیز در ارتباط به سن و سال کودکان و اعتبار و شناخت شخصیت آن ها سلسله هدایاتی دارد که همین ساحه را احتوا می کند.

قانون مدنی و جزای افغانستان اكمال شخصیت حقیقی را تثبیت و مراحل مختلف عمر و اندازه سن و سال کودکان را با عناوین مختلف و قانونیت جرم و جزاء به این شرح و بسط تعیین و تقییر کرده است که دانستن آن را در ارتباط به آنچه گفته آمدیم لازمی دانستم لطفن توجه فرمائید.

قانون مدنی میهن تکمیل شخصیت انسان را در قالب هدایت قانون چنین تصریح می کند:

ماده ۳۶ ق م

(۱) شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات انجام می یابد.

(۲) جنین دارای حقوقی می باشد که قانون برای آن تصریح نموده است.

.....
زمانیکه شخصیت کامل انسان تثبیت میشود و زندگی آغاز می گردد بایست این تولد و زندگی قید تاریخ و ثبت دفاتر رسمی گردد یا اگر در نهایت زندگی چون وفات پیش می آید و انسان پرود حیات می گوید این ماجرا نیز می باید ثبت تاریخ و اداره رسمی شود قانون هدایت اجرای همین دو اصل زندگی را صادر کرده است.

ماده ۳۷ ق م

تثبیت تاریخ ولادت و وفات ذریعه دفاتر رسمی مربوط صورت میگیرد، هرگاه اسنادمبنی بر ثبت ولادت و یا وفات موجود نبوده یا در مورد صحت ثبت اشتباه وارد گردد، برای اثبات ولادت و وفات از اقامه وسایل اثبات به تر تیبی استفاده میگرد که در قانون تصریح شده باشد.

.....
و در تداوم هدایات فوق الذکر قانون ق م در رابطه به سن رشد و اهلیت کامل حقوقی چنین صراحت می دهد:

ماده ۳۹ ق م

سن رشد هیجده سال مکمل شمسی می باشد. شخص رشید در حالت صحت عقل در اجرای معاملات دارای اهلیت حقوقی کامل شناخته میشود.

.....
زمانیکه اهلیت کامل حقوقی انسان به مدارج قانونی آن می رسد می یابد این حالت مدنی نیز درج دفاتر ثبت سجلات گردد توجه کنید:

ماده ۴۶ ق م

اشخاصیکه سن هجده سالگی را تکمیل می کنند حالت مدنی شان در دفاتر مخصوص ثبت سجلات مطابق به احکام (۴۷- ۴۸- ۴۹ - ۵۰) این قانون درج می گردد.

.....
عریضه من تا ایندم در رابطه به شناسائی شخصیت کامل انسان بعد از ولادت و کمال رشد و زمان کسب اهلیت حقوقی ایشان بود.

حال برای ایفاء وعده میخوام سنین کمتر از رشد و اهلیت (کمتر از هجده سال) را با اسم منتسب به آنها از دید گاه قانون جزاء طور بسیار مؤجزمور کنیم:

۱ - صغیر: نامیست که قانون جزای افغانستان آن را در محدوده سن و سال چنین تصریح می کند:

ماده ۷۰ ق ج

صغیر به طفلی اطلاق می گردد که بین سن هفت و سیزده سال کامل قرار داشته باشد.

.....
۲ - مراهق نامیست که قانون جزاء آن را برای اشخاصیکه سن سیزده سالگی را تکمیل و سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد اختصاص داده است.

ماده ۷۱ ق ج

مراهق به شخصی اطلاق میگردد که سن سیزده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

ماده ۷۳ ق ج

تثبیت سن به به اساس تذکره تا بعیت صورت می گیرد. محکمه می تواند در صورت تعارض حالت ظاهری صغیر با سن مندرج تذکره تابعیت وی نظریه هیأت طبی رامطالبه نماید.

.....
آنچه را من درین مختصر خدمت شما عرض کردم آگهی از بسا مطالب قانون مدنی و جزای میهن بود که با کنوانسیون تحت بحث ما ارتباط دارد.

.....
یاد داشت: در صورت ضرورت می توانید [\(کنوانسیون ملل متحد در مورد حمایت حقوق طفل ۱۹۸۹ م.\)](#) را در سایت وزین «انجمن حقوقدانان افغان در اروپا» مطالعه فرمائید.